

آینده‌پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آینده؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم در سطح بین‌الملل

محمدعلی بصیری^۱، زهرا آقامحمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۲

چکیده

خاورمیانه یکی از مهم‌ترین مناطق جهان است که تروریسم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی، به میزان زیادی آینده این منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. هرچند، دولت‌ها برای مقابله با تروریسم در عرصه بین‌المللی، راهبردهای مختلفی را اتخاذ کرده‌اند؛ اما هیچ‌کدام از این راهبردها تاکنون نتوانسته است مشکل تروریسم در این منطقه را در عرصه بین‌المللی حل و فصل کند. این مقاله با بهره‌گیری از نظریه مکتب انگلیسی، در پی پاسخ به این پرسش است که با توجه به تداوم بحران‌های تروریستی در خاورمیانه، چه آینده‌محتمل و مطلوبی می‌توان برای روندهای مقابله با تروریسم در سطح بین‌المللی ترسیم کرد؟ یافته‌ها گویای آن است که سناریوی تقویت همبستگی و انسجام جامعه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم، با ویژگی‌هایی چون: رهبری جدی‌تر سازمان ملل متحد؛ تعهد به رعایت حقوق بشر در مبارزه با تروریسم؛ شکل‌گیری راهبرد عملیاتی منسجم؛ پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای مجازات عاملان اقدامات تروریستی و تقویت برابری و عدالت اقتصادی، از محتمل‌ترین و مطلوب‌ترین چشم‌اندازهای روندهای مقابله با تروریسم در عرصه بین‌المللی در سه دهه آینده است. هدف این پژوهش، بررسی تهدیدهای برآمده از تروریسم و فرصت‌های مقابله با آن طی سه دهه آینده با همکاری جامعه بین‌المللی تحت لوای سازمان ملل است. روش مورد استفاده نویسندگان در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و آینده‌پژوهی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: مقابله با تروریسم، خاورمیانه، عرصه بین‌المللی، همبستگی و انسجام، جامعه بین‌المللی، مکتب انگلیسی

۱. (نویسنده مسئول)، استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، ایران basiri@ase.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، ایران zmohammadi45@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسأله

در عصر جهانی شدن و تکنولوژی پیشرفته، تروریسم در مرزهای ملی یا منطقه‌ای محصور نخواهد ماند. تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند؛ اما هرگز در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند. از آن‌جا که تروریست‌ها به بازیگرانی بین‌المللی تبدیل شده‌اند، می‌توانند تقریباً هر جا که بخواهند اقدامات تروریستی خود را ساماندهی کرده، آن را اجرایی کنند. از این‌رو، هیچ منطقه، دولت یا ملتی از اقدامات آن مصون نمی‌ماند. به همین دلیل، یکی از ویژگی‌های برجسته منطقه خاورمیانه، بنیادگرایی اسلامی و تداوم شکل‌گیری گروه‌های تروریستی است. تروریسم، مهم‌ترین موضوع تهدید کننده صلح و امنیت منطقه خاورمیانه است. از این‌رو، فهم ماهیت و پیچیدگی این پدیده و تأثیر آن در شکل‌گیری معادلات آینده در این منطقه، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که قلب ایالات متحده را نشانه گرفت، با این ذهنیت که هیچ‌کس از تروریسم در امان نیست، بحث‌ها پیرامون تروریسم اهمیت و توسعه چشمگیری یافت. واکنش به این حادثه و به دنبال تهاجم به افغانستان و نیز احساس نیاز به مبارزه طولانی بر ضد تروریسم، سبب شد که نقش جامعه بین‌المللی در این زمینه دیگر باره مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، تحولات موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی که در سال ۲۰۱۰ در تونس شروع شد و اکنون بسیاری از کشورهای اسلامی را در نوردیده است، پیامدهای مختلفی از جمله؛ سرنوشتی دولت‌های اقتدارگرا، کودتا، جنگ داخلی و مداخله بین‌المللی را به همراه داشته است. تازه‌ترین پیامد این تحولات، به ظهور فزاینده گروه‌های تروریستی برمی‌گردد که در قالب دولت اسلامی عراق و شام، معروف به داعش در عراق، سوریه، مصر و لیبی نمود یافته‌است. گروه تروریستی داعش، بخش‌های زیادی از خاورمیانه به‌ویژه عراق، سوریه و لیبی را به کنترل خویش درآورده است. حضور گسترده این

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../ ۱۹

تروریسم در کشورهای منطقه خاورمیانه، بحران‌های گوناگونی را در عرصه بین‌المللی در پی داشته است.

از این رو، با توجه به اهمیت تروریسم، هم‌اکنون دولت‌ها برای مقابله با تروریسم در عرصه بین‌المللی، دو راهبرد سرکوب تروریست‌ها و یا برخورد سیاسی را که در گرو دیپلماسی و همکاری است، اتخاذ می‌کنند؛ اما هیچ‌کدام از این راهبردها تاکنون نتوانسته است مشکل تروریسم را در عرصه بین‌المللی؛ به‌ویژه در منطقه خاورمیانه حل و فصل کند. بنابراین، سناریوهای مختلفی می‌توان درباره آینده خاورمیانه و روندهای مقابله با تروریسم ترسیم کرد؛ سناریوهایی که دارای سازگاری منطقی بوده و رخداد‌های بیرون از حقیقت در تار و پود آن راهی ندارد. هر سناریو، بیانگر وضعیت‌های احتمالی از آینده است و دولت‌ها و جامعه بین‌المللی را برای رویارویی با دگرگونی‌های آینده تروریسم در خاورمیانه و سطح بین‌الملل آماده می‌کند. طیف گسترده‌ای از کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با اهداف و منافع متنوع امنیتی، سیاسی و اقتصادی، انواع مختلفی از عدم قطعیت‌ها را پیش‌روی آینده این بحران قرار داده و با استفاده از نیروهای پیشران تغییردهنده، کوشش می‌کنند تا آینده‌های موردنظر خود را محقق سازند.

در پژوهش حاضر، به دنبال مطالعه و ارائه راهکارهایی برای مبارزه با تروریسم در منطقه خاورمیانه در دهه‌های آینده با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد، و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی هستیم. لذا با توجه به چنین مقصودی، محور اصلی پژوهش حاضر، پاسخگویی بدین سؤال است که: «با توجه به تداوم بحران‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه، چه آینده‌ی محتمل و مطلوبی می‌توان برای روندهای مقابله با تروریسم در این منطقه و در عرصه بین‌المللی ترسیم کرد؟» فرضیه پژوهش حاضر نیز بر این مبنا استوار است که: سناریوی تقویت همبستگی و انسجام جامعه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم، با ویژگی‌هایی چون: رهبری جدی‌تر سازمان ملل متحد، تعهد به رعایت حقوق

بشر در مبارزه با تروریسم، شکل‌گیری راهبرد عملیاتی منسجم، پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای مجازات عاملان اقدامات تروریستی و تقویت برابری و عدالت اقتصادی، می‌تواند کارآمدترین گزینه از روندهای مقابله با تروریسم در عرصه بین‌المللی در سه دهه آینده باشد. پس محتمل‌ترین و مطلوب‌ترین سناریوی مقابله با تروریسم در خاورمیانه طی چندین دهه آینده، گویای آن است که جامعه بین‌المللی در سه دهه آینده باید با همبستگی بیشتر، به دنبال کنترل بیشتر بحران تروریسم باشد. ضرورت این پژوهش بدان جهت است که مقابله مؤثر با تروریسم، مستلزم آسیب‌شناسی رفتار کشورها در قالب جامعه بین‌المللی در این زمینه است؛ چرا که فقدان مطالعات آسیب‌شناسانه در این حوزه به تکرار اشتباهات و اتخاذ راهبردهای تکراری و بی‌اثر در آینده این منطقه منجر خواهد شد.

۲. ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱. چارچوب نظری: نظریه مکتب انگلیسی و جامعه بین‌المللی، چارچوب مناسبی برای تحلیل روندهای مقابله با تروریسم در خاورمیانه طی دهه‌های آینده است؛ چرا که سه برداشت اصلی این نظریه؛ یعنی برداشتهای کثرت‌گرا، همبستگی‌گرا و انقلابی‌گرا به ما این امکان را می‌دهد که تحلیل متمایزی از سناریوها و گزینه‌های پیش‌روی جامعه بین‌المللی در مقابله با تروریسم در سطح بین‌الملل و خاورمیانه به دست دهیم.

مکتب انگلیسی در اواخر دهه ۱۹۵۰ پس از یک دوره برتری نظریه آرمان‌گرایی در بین دو جنگ جهانی بر نظریه‌های روابط بین‌الملل، و پس از آن با تسلط واقع‌گرایی همزمان با شروع جنگ جهانی دوم و شکست جامعه ملل، به‌عنوان یک نظریه کارآمد در عرصه تحلیل سیاست بین‌الملل نمایان شد (Dunne, 1998:7). نظریه‌پردازان مکتب انگلیسی، سه سنت نظری را در روابط بین‌الملل؛ از جمله واقع‌گرایی یا سنت ماکیاوولی، انقلابی‌گری یا سنت کانتی و خردگرایی یا سنت گروسوسی که راهی میانه در بین دو

آینده‌پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../ ۹۱

سنت نخست محسوب می‌شود، شناسایی کردند. ریشه مکتب انگلیسی را در سنت سوم؛ یعنی خردگرایی می‌دانند (Devlen, 2005:172).

اعضای مکتب انگلیسی در برداشت از روابط بین‌الملل، آن را فراتر از یک نظام بین‌الملل، و جامعه‌ای مرکب از دولت‌ها می‌دانند و قائل به اهمیت اهداف، قواعد، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در آن هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۵۹۷). جامعه دولت‌ها یا جامعه بین‌المللی، زمانی به وجود می‌آید که گروهی از دولت‌های آگاه از برخی از منافع مشترک و ارزش‌های مشترک، جامعه‌ای را شکل می‌دهند؛ به این معنا که آنها خودشان را مقید به وسیله مجموعه‌ای مشترک از قواعد در روابطشان با یکدیگر و کمک‌کردن در عمل کردن نهادهای اجتماعی تصور می‌کنند (Bull, 1977: 13). از این رو، نهادهایی چون موازنه قدرت، دستگاه دیپلماسی، حقوق بین‌الملل، جنگ و مدیریت قدرت‌های بزرگ می‌توانند باعث استقرار نظم بین‌المللی شوند (قوام، ۱۳۸۳: ۸).

متفکران اصلی مکتب انگلیسی افرادی؛ از جمله هادلی بول، مارتین وایت، آدام واتسون و جان وینسنت هستند. بول اوایل دهه ۸۰ با پرسش‌هایی از نظم و عدالت و طغیان در برابر غرب ایستاد و وایت، سنت‌های سه‌گانه را در نظریه بین‌المللی شناسایی کرد (Bellamy, 2007: 75). به هر جهت، نکته حائز اهمیت برای این پژوهش، تمایز دو نوع جامعه بین‌المللی است که بول آن را کثرت‌گرا و همبستگی‌گرا می‌نامد (Linklater, 2005: 93) که درجه انسجام درون جامعه بین‌المللی و رابطه میان نظم و عدالت در امور جهانی را روشن می‌سازد.

برداشت کثرت‌گرا در افکار اوپنهایم و برداشت همبستگی‌گرا، در افکار گروسوس ریشه دارد. کثرت‌گرایان معتقدند که دولت‌ها در جامعه‌ای اقتدارگریز ساکن هستند؛ درحالی که همبستگی‌گراها استدلال می‌کنند که حقوق بین‌الملل در حقوق طبیعی، اخلاق مشترک یا

اجماع اخلاقی مشترک ریشه دارد و دولت‌ها از حق ذاتی دفاع از خود برخوردارند (Bellamy, 2007: 79).

فرض اساسی همبستگی‌گراها بر این است که دولت‌ها با احترام به اجرای قانون، همبستگی یا همبستگی بالقوه جامعه بین‌الملل را به وجود می‌آورند. در مقابل، مفهوم کثرت‌گرای جامعه بین‌الملل نشان می‌دهد که دولت‌ها همبستگی از این نوع از خود نشان نمی‌دهند؛ بلکه تنها قابلیت توافق در مورد حداقل اهداف خاصی را دارند که کمتر از تحقق این قاعده است. بر طبق نگرش کثرت‌گرای مورد بحث در اثر اوپنهایم، اعضای جامعه بین‌المللی دولت‌ها هستند؛ نه افراد (Linklater, 2005: 100).

در نگاه مکتب انگلیسی، دولت‌ها واحدهایی غیراخلاقی نیستند و توسط انسان‌ها نمایندگی می‌شوند که لاجرم موضعی اخلاقی دارند. این اصول نزد شاخه کثرت‌گرای مکتب، شامل نوعی اخلاق «کم‌مایه»^۱ (در حد توافق میان دولت‌ها بر سر اصولی که امکان همزیستی و همکاری در جهت تأمین منافع مشترک را به آنها بدهد) و نزد شاخه «همبستگی‌گرا»، شامل اخلاقیاتی «پرمایه»^۲ (یعنی اصول اخلاقی جهانشمول مانند دفاع از حقوق بشر) است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۴۳). به همین ترتیب، بوزان تعاملات کثرت‌گرایانه را با عنوان همزیستی و تعاملات همبستگی‌گرایانه را زیر عنوان همکاری سامان داده است (قوام و فاطمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۸۷).

در نهایت باید به برداشت دیگر در مکتب انگلیسی؛ یعنی سنت انقلابی‌گرایان یا کانتی‌ها اشاره کرد. سنت انقلابی‌گری، جهان‌وطنی، کانتی یا جامعه جهانی، بر آن جوانبی از سیاست بین‌الملل تأکید دارد که بیشتر رنگ اخلاقی دارد تا قانونی یا واقعی، و اهدافی دارد که بیشتر هنجاری هستند تا حقوقی و عینی (Wight, 1992, xi). پیروان این رویکرد را

1. thin

2. thick

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../ ۹۳

می‌توان به عنوان «افراد مذهبی، آزادساز و برانداز» تعریف کرد. از نظر وایت «انقلاب‌گرایان را به طور دقیق‌تر می‌توان به عنوان کسانی تعریف کرد که به شدت به اتحاد اخلاقی جامعه دول یا جامعه بین‌الملل اعتقاد دارند» (Wight, 1992: 8).

آرزوی انقلاب‌گرایان در همانندی سیاست بین‌الملل با سیاست داخلی، یکی از خصوصیات انقلابی‌گری است. تعمیم دیگری که در مورد همه آنها مطرح است، این است که همگی به جای امر واقع، به آرمان توجه دارند. آرزوهایشان درباره چیزی است که باید باشد؛ نه آن چیزی که هست (Wight, 1992, 46). لینک لیتر این امر را تأیید می‌کند و معتقد است: «عقیده جهان‌وطن‌ها بر این است که از شکاف سیاست داخلی و بین‌المللی می‌تواند کاسته شود؛ حتی حذف شود» (Linklater, 2005: 93). ویژگی‌های جامعه جهانی از نظر بول، در سنت کانتی عبارتند از: «الف) ماهیت سیاست بین‌الملل بر مبنای تعهدات اجتماعی فراملی است؛ ب) در رویکرد کانتی، مضمون مسلط روابط بین‌الملل، به‌طور ظاهری صرفاً روابط میان دولت‌هاست و درواقع، رابطه میان همه انسان‌ها در اجتماع بشریت است که به طور بالقوه موجود است؛ ج) منافع همه انسان‌ها واحد و یکسان است؛ د) سیاست بین‌الملل یک بازی کاملاً مبتنی بر همکاری با حاصل جمع غیرصفر است» (Bull, 1997: 25-26).

براساس سنت‌های مکتب انگلیسی، می‌توان سناریوها و چشم‌اندازهای متفاوتی برای آینده جهان ترسیم کرد. از نگاه سنت هابزی، کثرت‌گرا یا نظام بین‌المللی، می‌توان گفت که جهان آینده به شکل نظام بین‌المللی باقی می‌ماند و در بهترین حالت، شاهد روابط دولت‌ها به صورت یک بازی بیلینارد خواهیم بود. در این سناریو، دولت‌ها در آینده نیز در راستای منافع خود اقدام خواهند کرد و تنها رفتار آنها گویای وجود نوعی نظم در عرصه بین‌الملل است؛ اما در چارچوب برداشت همبستگی‌گرا یا جامعه بین‌المللی در طی دهه‌های آینده شاهد شکل‌گیری جامعه منسجم بین‌المللی خواهیم بود و همبستگی جامعه دولت‌ها تقویت خواهد شد. در این شرایط، دولت‌ها بیشتر در راستای منافع مشترک گام برمی‌دارند و

درصد حل و فصل مسائل بین‌المللی برخواهند آمد. در نهایت، باید به سنت انقلابی‌گری اشاره کنیم که براساس آن در طی دهه‌های آینده شاهد انقلابی عظیم در عرصه بین‌الملل خواهیم بود. از این منظر، دولت‌ها و مردم ملل گوناگون در راستای صلح ابدی و حل و فصل ریشه‌ای معضلات بین‌المللی گام برمی‌دارند. سناریوهایی را که براساس برداشت‌های سه‌گانه مکتب انگلیسی برای دهه‌های آینده عرصه سیاست بین‌الملل ترسیم می‌گردد، می‌توان به تحلیل مسائل خرد بین‌المللی؛ از جمله جنگ، حقوق بشر، تروریسم، محیط زیست و غیره نیز توسعه داد.

۲-۲. **پیشینه پژوهش:** اگرچه تعداد زیادی مقاله، کتاب و رساله درباره تروریسم در خاورمیانه نوشته شده است؛ اما با توجه به نوظهور بودن برخی گروه‌های تروریستی مانند داعش در خاورمیانه، متون علمی - تخصصی معتبر درباره آنها اندک است. با توجه به این مسأله، یک کتاب و دو مقاله قابل اتکا به‌عنوان پیشینه پژوهش در این قسمت مطرح می‌شود. کتاب «تروریسم و فضای مجازی در خاورمیانه» توسط عباس عراقچی، محمدرضا دهشیری و شاهین جوزانی کهن نگاشته شده است. شناخت پدیده تروریسم، ارتباط آن با فضای مجازی، جذب و آموزش نیرو، تأمین مالی ابعاد تروریسم، فضای سایبری و ظرفیت‌های ایجاد شده توسط آن و استفاده داعش از این فضا، از موضوع‌هایی است که این کتاب به آن می‌پردازد. دو مقاله با عناوین «ریشه‌های تروریسم در خاورمیانه» نوشته آرای سی کوپرز و همچنین، «خاورمیانه به‌عنوان منبع تروریسم» نوشته افریم، این بار بر تروریسم به‌عنوان مهم‌ترین معضل بین‌المللی در منطقه خاورمیانه تمرکز نموده‌اند؛ اما هیچ‌یک از این منابع به‌طور مستقیم به تحلیل روندهای مقابله با تروریسم در سطح بین‌الملل و اینکه آینده مبهم خاورمیانه با چه وضعیتی روبه‌رو خواهد شد و همچنین، این مسأله که در سال‌های آینده برای مقابله با این پدیده ویرانگر چه راهکارهایی باید اتخاذ شود، نپرداخته‌اند؛ ضمن اینکه حداقل منابعی هم که به این موضوع توجه کرده‌اند، در هر کدام، بعد و جنبه خاصی از

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم... / ۹۵

موضوعها بررسی شده است و هیچ کدام نگاه منسجم و منظمی به موضوع مذکور نداشته- اند.

۳. تحلیل سناریوهای مقابله با تروریسم

همه روش‌های آینده‌پژوهی، می‌توانند به تدوین سناریو بینجامند. سناریوها برای آینده‌پژوهی، وحدت روش‌شناختی به ارمغان می‌آورند؛ صرف‌نظر از این‌که سناریوها چگونه آفریده شده باشند. آینده‌پژوهان، هریک به شیوه‌ای خاص، از سناریو استفاده می‌کنند و به همین دلیل نیز این روش، گسترده‌ترین ابزار روش‌شناختی مشترک در میان آینده‌پژوهان است (بل، ۱۳۹۲: ۵۴۷-۵۴۹). از این رو، درخصوص روندهای مقابله با تروریسم در طی سه دهه آتی در خاورمیانه، می‌توان سناریوهایی را ترسیم نمود که در پژوهش حاضر این سناریوها در چهار دسته منتظره مطلوب، منتظره نامطلوب، غیرمنتظره مطلوب و غیرمنتظره نامطلوب مورد توجه قرار گرفته‌اند.

الف) منتظره مطلوب: این سناریو به آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست و مطلوب‌ترین و مرجح‌ترین رویداد آینده به‌شمار می‌رود، اشاره می‌کند. این سناریو به ایده همبستگی‌گرای مکتب انگلیسی نزدیک است و ما را به این نکته رهنمون می‌کند که در سه دهه آینده، همبستگی و انسجام بین‌المللی بیشتر جامعه بین‌المللی را در مبارزه با تروریسم شاهد خواهیم بود. از چشم‌انداز این سناریو، کشورها با درک تهدیدهای تروریستی، منسجم‌تر به مبارزه با تروریسم ادامه خواهند داد و آینده تروریسم چه با کنشگری گروه‌های تروریستی نظیر داعش و القاعده و چه دیگر گروه‌های تروریستی، به عنوان یکی از چالش‌های امنیتی خاورمیانه و جامعه بین‌المللی باقی خواهد ماند. گروه‌های تروریستی مانند داعش با دست‌زدن به اقدام‌های هولناک، اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند؛ اما در پایان، این روند به تقویت اجماع جهانی در مبارزه با داعش خواهد انجامید.

به عبارت دیگر، تهدیدهای داعش نتیجه‌ای وارونه خواهد داشت. بر همین اساس، چون روند تروریسم، روندی شبه‌نظامی، حقوقی، سیاسی، امنیتی و به تعبیری، روندی چند وجهی با دخالت سایر سازمان‌های بیگانه و کشورهای دیگر است، مکانیسمی همبستگی گرایانه در جامعه بین‌المللی طراحی خواهد شد که براساس آن سیاست‌های کلان امنیتی کشورها در قالب عملکرد سیاسی، اقتصادی و حقوقی قابل پی‌گیری می‌گردد. در نتیجه، به همراه همکاری‌های اطلاعاتی اعضای جامعه بین‌المللی با یکدیگر، از ضابطه عملیاتی نیروهای نظامی و امنیتی، برای مهار و مدیریت تروریسم بهره‌برداری خواهد شد.

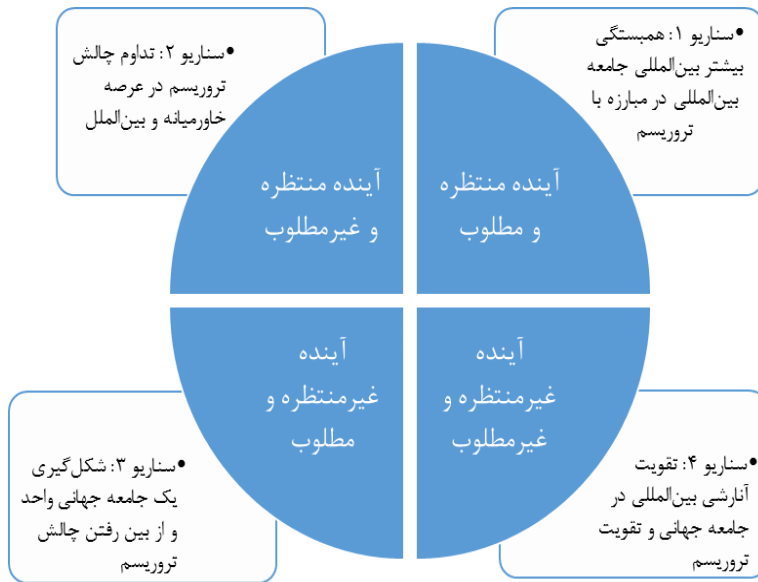
(ب) منتظره نامطلوب: به وضعیتی اشاره دارد که به احتمال بسیار زیاد، در آینده به وقوع خواهد پیوست و نامطلوب‌ترین رویداد آینده به‌شمار می‌رود. براساس این سناریو، تروریسم باقی می‌ماند و کشورها نه تنها توافقی بر سر تروریسم نمی‌کنند؛ بلکه به پیگیری استراتژی عدم همکاری خود با یکدیگر ادامه خواهند داد و نظام بین‌المللی به همین روند کنونی خود ادامه خواهد داد. طی سه دهه آینده، نوعی نظم مبتنی بر الگوی کثرت‌گرا بر خاورمیانه و عرصه بین‌المللی حاکم خواهد بود. در این نظم، دولت‌ها تنها به وسیله قواعد و اصولی که با آن موافقت کرده‌اند، محدود می‌شوند. دولت‌ها به وسیله این قواعد در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند؛ زیرا آنها منافع مشترکی در حفظ نظم بین‌المللی ندارند. بنابراین، شاهد همکاری چندانی در زمینه تروریسم میان دولت‌ها نخواهیم بود؛ زیرا هریک از دولت‌ها به فکر منافع خویش است. در نتیجه، نظام بین‌الملل قادر به شکست دادن تروریسم در خاورمیانه و عرصه بین‌المللی نخواهد بود و چالش تروریسم برای دهه‌های آینده ادامه خواهد یافت.

(ج) غیرمنتظره مطلوب: احتمال وقوع این وضعیت در آینده بسیار کم است و مطلوب‌ترین و مرجح‌ترین رویداد آینده به‌شمار می‌آید. این سناریو به ایده سنت انقلابی‌گری یا شکل‌گیری جامعه جهانی در مکتب انگلیسی نزدیک است که براساس آن، اساساً به علت ایجاد جامعه

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../ ۹۷

فضلیت مدار در دهه‌های آتی، دیگر شاهد اقدام تروریستی در خاورمیانه و عرصه جهانی نخواهیم بود؛ زیرا این انسان‌ها براساس برداشت انقلابی‌گری دارای قدرت اصلاح و به عبارت بهتر کمال‌گرا هستند و می‌توانند جامعه‌ای جهانی شکل بدهند که همه ریشه‌های تروریسم را از بین ببرند. بنابراین، در این سناریو، ما شاهد شکل‌گیری یک جامعه جهانی واحد هستیم که براساس آن، انسان‌ها به حل و فصل تروریسم در کل این جامعه موفق می‌شوند.

(د) غیرمنتظره نامطلوب: احتمال وقوع این سناریو در آینده بسیار کم است و نامطلوب‌ترین رویداد آینده به‌شمار می‌آید. براساس این سناریو که به برداشت جامعه جهانی یا انقلابی‌گری نزدیک است، در دهه‌های آتی با شکل‌گیری جامعه جهانی، موجبات ناامنی فراهم خواهد شد. این امر سبب تضعیف تمام قوانین قدیم‌تر می‌شود که پشتوانه جامعه بین‌الملل بوده‌اند. بنابراین، تقویت آنارشی بین‌المللی، تروریسم را افسارگسیخته‌تر می‌کند. افکار و گفتمان‌های سیاسی گوناگون، ناسازگاری نهادی و نابرابری اقتصادی و نژادی سبب رشد تروریسم و گسترش بحران‌های ناشی از تروریسم خاورمیانه به همه نقاط دنیا می‌گردد. نمودار زیر، سناریوهای روند مقابله با تروریسم را در سطح بین‌الملل و خاورمیانه در سه دهه آینده به نمایش می‌گذارد.



۴. شکل‌گیری همبستگی بین‌المللی در مبارزه جدی با تروریسم

طبق سناریوی نخست که ذکر شد، دولت‌ها با احترام به اجرای قانون، همبستگی یا همبستگی بالقوه جامعه بین‌الملل را به وجود می‌آورند. تک‌تک افراد انسانی در نوع خود موضوع‌های حقوق بین‌الملل و اعضای جامعه بین‌الملل هستند. سیاست بین‌الملل نه به عنوان آنارشی بین‌المللی؛ بلکه به عنوان تعاملات بین‌المللی، رابطه‌ای تنها منازعه‌آمیز نیست؛ بلکه همکاری در آن جریان دارد. دولت‌ها هرچند به دنبال دولتی فراگیر نیستند؛ اما با این وصف، جامعه تشکیل می‌دهند. دولت‌ها در برخوردهای خود با یکدیگر از محدودیت‌های اخلاقی و حقوقی فارغ نبوده؛ بلکه با قواعد این جامعه بین‌الملل که خودشان به وجود آورده و در تداوم آن نقش داشته‌اند، محدود می‌شوند. براساس این چشم‌انداز از آینده، نوع واکنش جامعه بین‌المللی نسبت به مسأله تروریسم در خاورمیانه نیز مشخص می‌گردد.

با گسترش تروریسم به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های جوامع بشری؛ به‌ویژه بهره‌برداری تروریسم پسامردن و داعش از فضای سایبری برای دستیابی به مقاصد شوم

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../ ۹۹

خود، جامعه بین‌المللی با چالش‌های بسیاری برای رویارویی با این پدیده روبه‌رو شده است؛ چون تغییر چهره تروریسم در عصر حاضر و همچنین، غلبه تروریسم بر محدودیت‌های زمانی و بهره‌گیری از قدرت فضای مجازی و اینکه چگونه توانسته است به وسیله این فضا از ماهیت سنتی خود فراتر رفته، پا به دنیای پسامدرن بگذارد، به پیچیده‌تر شدن این امر انجامیده است (عراقچی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۷).

به‌طور کلی، می‌توان گفت که با توسعه فرایند جهانی شدن و فناوری پیشرفته در دهه‌های آینده، اقدامات تروریستی دیگر به مرزهای کشورهای خاورمیانه محصور نمی‌گردد. جهان بدون مرز، شرایطی را به ارمغان می‌آورد که می‌تواند مورد سوء استفاده بیشتر تروریست‌ها قرار گیرد. تروریست‌ها با جلب مساعدت از هم‌پیمانان فرامرزی و ارتباطات با شبکه‌های مالی، می‌توانند تقریباً هر جا که بخواهند، اقدامات خویش را سازماندهی کنند و به اجرا بگذارند (Quan & Schaub, 2006: 236).

در دهه‌های آینده نیز تروریسم، امنیت و حیات بی‌گناهان بی‌شماری را سلب یا تهدید می‌کند. تروریسم یکی از مباحث بحث برانگیز بین‌المللی، منطقه خاورمیانه و سیاست داخلی کشورها باقی می‌ماند. به‌رغم این که امروزه همه کشورها یک صدا تروریسم را محکوم می‌کنند، متأسفانه بحث تروریسم، بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفته است تا جنبه حقوقی (Kuipers, 2009: 10)؛ اما تروریسم به هر شکلی ظهور یابد، هدف اصلی آن ایجاد رعب و وحشت است. این درحالی است که همه افراد بشر، از حق امنیت و حیات برخوردارند و همه دولت‌ها در احترام، تضمین و تحقق این حقوق مسئولیت دارند که این امر می‌طلبد جامعه بین‌المللی سیاست‌های مؤثری را در جهت پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه؛ به‌خصوص رفتارهای توأم با خشونت و سلب امنیت مردم؛ از جمله تروریسم و مجازات مرتکبان اقدامات تروریستی به کار بندد (Lutz, 2013: 103-104).

هم‌اکنون واکنش حکومت‌ها اغلب بیش از اندازه ناهماهنگ است و همین مسأله مهارت تروریست‌ها را بیشتر می‌کند. گرچه تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن، پیشرفت کرده‌اند؛ اما در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند. از آنجا که تروریست‌ها به عاملانی بین‌المللی مبدل شده‌اند، هیچ منطقه، دولت، ملت یا شخصی، از اقدامات آنها مصون نمی‌ماند. فعالیت تروریستی از آن جهت افزایش یافته که تروریست‌ها با موفقیت خود را با روند جهانی شدن وفق داده‌اند؛ درحالی که کوشش‌ها و مساعی ضد تروریسم به صورت بخشی و ملی باقی مانده است (Abrahms, 2012: 363-393).

بر این اساس، لازم است جامعه بین‌المللی برای مقابله مؤثر با پدیده تروریسم همکاری در سطح بین‌المللی را شدت بخشد؛ زیرا دیگر تروریسم یک موضوع ملی و داخلی صرف محسوب نمی‌شود. برای موفقیت هر عمل حقوقی، ساختارهای محیطی به عنوان شرط موفقیت مطرح هستند. یکی از شرایط تأثیر عملکرد حقوقی، شکل‌گیری مؤثر همکاری و معاهدات بین‌المللی بین کشورهاست. به عبارت دیگر، اولاً باید اعمال تروریستی به‌گونه‌ای تعریف شوند که توافقی اصولی درباره تعاریف و مصادیق آنها وجود داشته باشد و ثانیاً این موارد در همه کشورهای مساعدت‌کننده به‌عنوان ارتکاب عمل مجرمانه تلقی شوند (Council on Foreign Relations, 2013).

طی سه دهه آینده، جامعه بین‌المللی اقدامات ضد تروریستی مؤثری را توسعه خواهد داد. اقدام یک‌جانبه یا حتی دوجانبه برای مقابله با تهدید تروریسم خاورمیانه که به بحرانی جهانی تبدیل شده است، کافی نیست. همکاری و هماهنگی بین‌المللی برای محدود ساختن تروریست‌های بین‌المللی ضروری و حتی می‌توان گفت که از عوامل اصلی در ایجاد دگرگونی در روابط بین دولت‌ها در خاورمیانه، وحشت از جنگ و تروریسم است که به صورت انگیزه‌ای برای همکاری بین‌المللی، به‌منظور رسیدن به صلح جهانی درمی‌آید.

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../ ۱۰۱

و همکاری و همگرایی بین‌المللی می‌تواند شدت تهدیدهای تروریستی را ناچیز کند (Cockayne & Kavanagh, 2011: 22).

دولت‌های جهان، همواره برای برقراری امنیت در سطح داخلی و بین‌المللی، به وضع قوانین و مقرراتی مبادرت نموده‌اند تا با جلوگیری از اقدامات سوء فردی یا دولتی، وضعیتی توأم با امنیت و آسایش به وجود آید. از جمله اقدامات سوئی که امنیت جوامع را با مخاطره روبه‌رو می‌کند، اقدامات تروریستی است و یکی از علل موفق نبودن جامعه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم، تغییر ساختار تروریسم در طی دوران بوده است (Laitin & Shapiro, 2006: 48). از این رو، تروریسم به‌عنوان پدیده سیاسی همیشه موجود، گرچه از تداوم برخوردار بوده؛ اما پس از فروپاشی نظام دوقطبی به چهره‌ای دوپهلوی تبدیل شده است (Couto, 2010: 73).

از این رو، از آنجایی که بحران تروریستی خاورمیانه یک پدیده بین‌المللی است، نیازمند واکنش چند ملیتی است. یعنی اگر جامعه بین‌المللی خواست مشترکی داشته باشد، گروه‌های تروریستی خاورمیانه و بحران‌های ناشی از آن به زانو در می‌آید (Inbar, 2016: 1).

بنابراین، به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی در آینده می‌کوشد تا روحیه نظامیگری حاکم در خاورمیانه را کمرنگ نموده و نهایتاً از بین ببرد. در این راهبرد کلان باید تأکید شود که امنیت خاورمیانه و جامعه بین‌المللی بیشتر و بهتر از طریق خلع سلاح، همکاری بین‌المللی و تأمین عدالت اجتماعی و نه انتقام‌گیری، عملیات نظامی و خشونت‌آمیز حاصل می‌شود. در چنین شرایطی است که می‌توان این چالش دهشتناک را به یک فرصت مبدل نمود تا ائتلافی قدرتمند در جامعه بین‌المللی برای رویارویی با شبکه‌های تروریستی در خاورمیانه به وجود آید.

۱-۴. رهبری جدی‌تر سازمان ملل در مبارزه با تروریسم: براساس سنت همبستگی گرایانه مکتب انگلیسی، نهادها و حقوق بین‌الملل در کاهش تعارضات و افزایش همکاری اهمیت زیادی دارند. همکاری در شرایط آنارشی نه تنها امکان پذیر است؛ بلکه عملاً نیز وجود دارد. همکاری بخش جدایی‌ناپذیر جامعه بین‌المللی تلقی می‌گردد. وجود قواعد، رژیم‌ها و نهادها به‌نوعی به همکاری میان دولت‌ها برای مبارزه با تروریسم منجر می‌گردد. دولت‌ها از طریق نهادهای بین‌المللی در جهت ایجاد قواعد مبارزه با تروریسم و حمایت از آنها عمل می‌کنند. این نهادها لزوماً به شکل یک سازمان یا سازوکار اداری نیستند؛ بلکه مجموعه‌ای از عادات و رویه‌ها هستند که در جهت تحقق اهداف مشترک شکل می‌گیرند (Martin & Simmons, 2012: 333).

یکی از دلایل اصلی به‌وجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم نیز، برقراری صلح و امنیت بوده است. در این راستا، اقدامات سازمان‌های بین‌المللی برای حل و فصل مناقشات دارای اهمیتی حیاتی است؛ زیرا بیشتر این سازمان‌ها، به‌عنوان نهادهای فراملی، توانایی و مشروعیت ایفای نقشی تأثیرگذار و مورد پذیرش همگان را در جامعه جهانی دارا هستند (Bianchi, 2006: 889). با وجود حقوق و وظایفی که سازمان‌های بین‌المللی در چهارچوب قوانین خود، برای دولت‌ها وضع کرده‌اند، این قوانین را توسعه می‌دهند و بدون توجه به قدرت‌های امپریالیستی، برای عملی شدن آن ضمانت اجرای محکم‌تری مقرر می‌کنند تا بتوانند نقش تعیین‌کننده‌ای در مبارزه با تروریسم داشته باشند.

همچنین، جامعه بین‌المللی نقش مهم‌تری به رهبری سازمان ملل برای طراحی و اجرای مبارزه ضدتروریستی می‌دهد. بسیاری از کشورها خواهان آن می‌شوند که اقتدار بیشتر و مسئولیت فراینده‌تری به سازمان ملل متحد داده شود و شورای امنیت با قدرت بیشتری به اتخاذ واکنش‌های لازم و اقدامات نظامی علیه تروریسم بپردازد. بنابر مقدمه منشور سازمان ملل متحد، فلسفه وجودی این سازمان، حمایت از اصول بنیادین حقوق

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../۱۰۳

بشر است؛ پس به نظر می‌رسد که کشورها می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسبی تفویض این نقش را به سازمان ملل متحد عملی سازند (Eland, 2008: 23). واقعیت این است که در شرایط فعلی، سازمان ملل متحد نقش مهم؛ اما محدودی دارد. چالش اساسی در این باره، این است که سازمان ملل از چه راهبردهایی برای محدود نمودن بحران تروریستی خاورمیانه می‌تواند استفاده کند. نکته حائز اهمیت این که سازمان ملل متحد باید کلان‌نگری داشته باشد و به همه دیدگاه‌ها و نظرات اهمیت دهد (Vermeulen & Bondt, 2014: 254).

با تداوم همگرایی در صحنه بین‌المللی و درهم‌تنیدگی چالش‌های امنیتی، از شدت تهدیدات تروریسم کاسته خواهد شد. کشورها باید در آینده، ضمن تقییح تروریسم، آمادگی خود را برای حمایت از کوشش‌های سازمان ملل متحد برای وضع و اجرای قانون اعلام نمایند. بنابراین، کشورها برای نیل به مصالح جهانی از حاکمیت خود می‌کاهند و اختیارات بیشتری را به سازمان ملل متحد به‌عنوان یک سازمان فراملی می‌دهند تا این سازمان بر اساس توافقات حقوقی بتواند خواست جامعه بین‌المللی را در مبارزه با تروریسم اعمال کند (Cockayne & Kavanagh, 2011: 21).

اگرچه سازمان ملل متحد و به‌ویژه یونسکو تاکنون گام‌های شایسته‌ای را برای ارتقای تعامل فرهنگی ملت‌ها برداشته‌اند؛ اما این سازمان‌ها در آینده نزدیک راهبردهای مؤثری را برای ارتقای اطلاعات عمومی جهانیان اتخاذ می‌کنند تا سطح تساهل، مدارا و احترام بین ملت‌ها، مذاهب و سنت‌های فرهنگی را افزایش دهند (UNESCO, 2013). هم‌اکنون سازمان ملل متحد برنامه‌های زیادی در زمینه‌های مختلف؛ از جمله توسعه، فقرزدایی، آموزش اطلاعات عمومی، حقوق بین‌الملل، حاکمیت مناسب، مبارزه با فساد، جلوگیری از قاچاق اسلحه و ارتقای فهم متقابل فرهنگی دارد. همه این‌ها ابزار مناسبی برای جلوگیری از تروریسم و تروریسم تکفیری هستند؛ اما در دهه‌های آینده بر همکاری بیشتر تأکید می‌گردد. علاوه بر اقدامات تأمینی، اطلاعاتی و نظامی لازمی که

امروزه کشورها برای مبارزه با تروریسم انجام می‌دهند، سازمان ملل متحد از طریق شکل دادن به اجماع قانونی و سیاسی، تروریسم را در هر شکل آن غیرقابل قبول می‌خواند. (Danieli, 2014: Lxv).

۲-۴. **تعهد به رعایت حقوق بشر:** در دهه‌های آینده، جامعه بین‌المللی با تأکید مجدد بر چارچوب حقوق بشری که اقدامات مؤثری در واکنش به حملات تروریستی را می‌پذیرد، بین آزادی و امنیت توازن برقرار می‌کند. این راهبرد، جامعه بین‌المللی را به مبارزه با تروریسم در سطح خاورمیانه و عرصه بین‌المللی، با رعایت احترام به حقوق بشر و امن‌تر کردن جهان، فراهم آوردن امکان زندگی برای شهروندان در محیطی آزاد، امن و با عدالت متعهد می‌کند. این راهبرد تصریح می‌کند که تروریسم، تهدیدی برای همه کشورها و ملت‌هاست (Vermeulen & Bondt, 2014: 268).

تعهد به حمایت از حقوق بشر و تأمین امنیت، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی، تنها زمانی می‌تواند تضمین شود که مبتنی بر احترام به حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون باشد. این امر واقعیتی بنیادین است که هم‌اکنون در گفت‌وگو مبارزه با تروریسم نادیده انگاشته می‌شود؛ اما در دهه‌های آتی جامعه بین‌المللی به سمتی خواهد رفت که در آن مبارزه با تروریسم خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا تحت هیچ شرایطی به نقض حقوق بشر منجر نشود. اقدامات ضد تروریستی در هر فرایند و تابع هر ملاحظاتی که باشد، باید توازنی معقول و نظام‌مند میان جنبه‌های تهدیدکننده تروریسم بر حقوق بشر و جنبه‌های حقوق بشر اقدامات ضد تروریستی و عواقب آن برقرار شود (Quintana 2012: 181). نظام بین‌المللی حقوق بشر از چنان انعطافی برخوردار می‌شود که امکان مقابله مؤثر با تروریسم در ضمن رعایت این حقوق را به‌وجود می‌آورد. در طولانی‌مدت، حقوق بشر یکی از راه‌های پیشگیری از تروریسم است (آقایی خواجه پاشا، ۱۳۹۲: ۲۵۱).

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم... / ۱۰۵

سناریوی مقابله با اقدامات گروه‌های تروریستی، موضوع احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را مورد توجه جدی قرار می‌دهد. اقدامات مربوط به مبارزه با تروریسم و نیز نحوه رفتار با مظنونین با در نظر گرفتن اصول اولیه؛ از جمله حق آزادی بیان، حق برخورداری از محاکمه بی‌طرفانه و شفاف همراه می‌گردد. در غیر این صورت این اقدامات می‌تواند به اقدامات افراط‌گرایانه گروه‌های تروریستی در خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا دامن بزند.

۵. شکل‌گیری راهبرد منسجم عملیاتی برای مبارزه با تروریسم

جامعه بین‌المللی برای پیروزی در جنگ با تروریسم خاورمیانه در دهه‌های آینده، تنها از نیروی نظامی استفاده نخواهد کرد؛ بلکه از قدرت دیپلماتیک و اقتصادی و هر نوع وسیله دیگری؛ از جمله استفاده از قدرت هوشمند در این مبارزه سود می‌جوید. جامعه بین‌المللی برای کاهش تهدید ناشی از بحران‌های تروریستی خاورمیانه و آسیب‌پذیری بین‌المللی در برابر این تهدیدها، راهبردی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تدارک می‌بیند. این راهبرد بر سه ستون پیشگیری، پیگیری یا مداخله و بازسازی استوار خواهد شد. این روند سه مرحله‌ای برای ارزیابی یک اقدام قاطعانه باید لحاظ شود.

جامعه بین‌المللی در دهه‌های آینده قاطعانه‌تر برای پیشگیری اقدام خواهد کرد. در پیشگیری، عواملی که بحران تروریستی از آن ناشی می‌شود، از بین می‌رود. هم‌اکنون پیشگیری از علل ریشه‌ای اقدامات گروه‌های تروریستی، به زمان و هزینه بالایی احتیاج دارد و اقدامات بین‌المللی در این زمینه چندان موفقیت‌آمیز نبوده است (Newman, 2006: 758)؛ اما تروریسم یک معضل جهانی است و به همین دلیل، ما باید در کنار هم به صورت یک اجتماع انسانی از آن پیشگیری و با آن مبارزه نماییم. جامعه بین‌المللی برای شکست تروریسم و پیشگیری از آن، در وهله اول می‌کوشد که احترام گذاشتن به فرهنگ‌های متفاوت را ترویج کند. سازمان ملل و جامعه بین‌المللی، خواهند توانست از طریق یک

برنامه جهانی، و طی همکاری با یونسکو، یونیسف، سازمان‌های بشر دوستانه و سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی، به برنامه‌های پیشگیری از تروریسم جامعه عمل ببوشانند) (Bloomberg & Scoppetta, 2007: 26).

فارغ از بحث پیشگیری، تروریسم موجود در خاورمیانه، امنیت کل منطقه و جهان را تهدید می‌کند و همه کشورها به طور مستقیم و غیرمستقیم از این ناحیه تهدید می‌شوند. بنابراین، برای مقابله با این گروه‌های تروریستی به یک راهبرد نظامی مؤثر نیاز است. از این رو، موضوع و همکاری‌های نظامی سیاسی کشورهای مختلف در منطقه خاورمیانه برای مقابله با تروریسم از اهمیت خاصی برخوردار است (Alexander, 2008: 41).

بعد نخست اینکه قدرت هجومی از تروریست‌ها برای حمله به مواضع جدید سلب شود و دوم اینکه به تدریج مناطق بحرانی خاورمیانه از نفوذ تروریست‌ها خارج شود، و در مرحله سوم، پس از انجام مداخله نظامی، جامعه بین‌المللی می‌کوشد که وضعیت کشورهای خاورمیانه را به وضعیت عادی برگرداند. بنابراین، جامعه بین‌المللی به بازسازی کشورهای خاورمیانه متعهد می‌گردند؛ زیرا گروه‌های تروریستی، ایدئولوژیک و بانگیزه هستند، و تنها از طریق نظامی نمی‌توان با آنها برخورد کرد؛ بلکه باید برخورد ضد ایدئولوژیک با آنها صورت گیرد (Newman, 2006: 749).

۱-۵. **تقویت برابری و عدالت در صحنه بین‌المللی:** وضع تهدیدکننده منطقه خاورمیانه حاصل فقدان آزادی و دموکراسی، سطح پایین دانش، عدم توسعه فرهنگی، جایگاه نامناسب زنان و وضعیت نامطلوب حقوق بشر است (Gage & Cordesman, 2011: 10). به عبارت دیگر، توسعه نیافتگی و محرومیت مردم از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باعث رشد افراط‌گرایی اسلامی، تروریسم، مهاجرت غیرقانونی و جرایم سازمان یافته بین‌المللی می‌شود. بهترین راه حل برای درمان این معضلات، توسعه همه‌جانبه در قالب اصلاحات سیاسی، تقویت عدالت اقتصادی و اجتماعی است (Krueger & Maleckova, 2003: 128).

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../۱۰۷

فقر و دموکراسی از عوامل مهم بالقوه برای اثرگذاری بر تروریسم هستند؛ زیرا فقر و سطوح پایین توسعه اقتصادی به معنای کاهش فرصت‌های شغلی بوده و فعالیت‌های تروریستی را به گزینه‌ای جذاب برای افراد تبدیل می‌کند. احساسی که در رابطه با دموکراسی وجود دارد نیز همین گونه است؛ به این معنا که نبود فرصت‌های سیاسی باعث افزایش جذابیت تروریسم شده و تا حدودی آن را توجیه‌پذیرتر می‌نماید (Mitra, 2008: 61-57). مبارزه با تروریسم، نیازمند همکاری جمعی جامعه بین‌المللی است تا با کسب آموزش و حداقل آزادی سیاسی و برابری اقتصادی و کوشش برای مبارزه با فقر حاصل شود (Sandler & Enders, 2003: 315). نظم و شرایط موجود، نیازمند سناریوی انسان دوستانه است که در آن اصل، خیر همگانی باشد و عده‌ای از عده‌ای دیگر برتر نباشند و تعریف دموکراسی به معنای لیبرالی نباشد.

۲-۵. پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای مجازات عاملان اقدامات تروریستی: همان‌طور که اشاره شد، در سناریوی همبستگی گرایانه مکتب انگلیسی، جامعه بین‌المللی در سه دهه آتی به‌طور مؤثری از حقوق بین‌الملل و سایر نهادهای بین‌المللی برای مبارزه و مجازات عاملان اقدامات تروریستی خاورمیانه استفاده می‌کند. جامعه بین‌المللی با گفتگو و رضایت، نهادها و قواعد مشترکی را برای هدایت روابط خود ایجاد می‌کنند و نفع مشترکی را در حفظ این ترتیبات مورد توجه قرار می‌دهند. نهاد در مفهومی کلی شامل تمامی قواعد، هنجارها و عرف‌هایی است که به زندگی انسانی نظم می‌بخشند و تشکیل‌دهنده ساختار اجتماعی جامعه بین‌الملل هستند (Helmke & Levitsky, 2003: 3). در دهه‌های آتی همه کنوانسیون‌های ضد تروریسم، ضمن دارا بودن مبنای حقوقی مستحکم برای اقدام علیه اعمال تروریستی، با ایجاد یک سیستم اجرایی مؤثر، زمینه اعمال مجازات را نسبت به مجرمان فراهم می‌آورند (Buzan, 2012: 168).

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اشاره صریحی به جرایم تروریستی نشده است؛ اما این جرائم را می‌توان ذیل ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ یعنی جنایات نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات ضد بشری جای داد و بر این اساس گفت که دیوان صلاحیت رسیدگی به این جرایم را دارد. نگاهی گذرا به اقدامات تروریستی، طی چند دهه اخیر و جنایت اخیر گروه تروریستی نظیر داعش در خاورمیانه نیز نشان می‌دهد که این اقدامات عمدتاً جنایات نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات ضد بشری تلقی می‌گردند (Mariniello, 2014: 34-39). بر همین اساس است که می‌توان استدلال کرد علی‌رغم عدم اشاره اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به جرایم تروریستی، این دیوان صلاحیت رسیدگی به این جنایات بین‌المللی را دارد.

۶- راهکارها و استراتژی‌های مؤثر برای مبارزه با تروریسم توسط جامعه بین‌المللی طی سه دهه آتی

استراتژی که کوشش جامعه بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم طی سه دهه آینده را افزایش خواهد داد، بر چهار ستون استوار خواهد بود که در مدل زیر نمایش داده شده است.



• توجه به شرایطی که به گسترش تروریسم منجر می شود: از ظرفیت سازمان ملل متحد در مواردی مانند جلوگیری از درگیری، مذاکره، میانجیگری، آشتی، حفظ صلح و صلح سازی در راستای همکاری و مشارکت برای جلوگیری موفقیت آمیز و پایان صلح آمیز درگیری های طولانی مدت لاینحل، می توان بهترین استفاده ممکن را نمود؛ زیرا خاتمه صلح آمیز چنین منازعاتی به تقویت مبارزه جهانی علیه تروریسم کمک خواهد نمود. برای ارتقای گفتگو، تحمل و فهم میان تمدن ها، فرهنگ ها، مردم و مذاهب و ارتقای احترام متقابل، اتخاذ ترتیباتی تحت نظارت برنامه ها و ابتکارات سازمان ملل متحد ضروری است. به علاوه، با ایجاد و تشویق برنامه های آگاهی عمومی و آموزشی فرهنگ صلح، عدالت و توسعه انسانی، تحمل مذهبی و ... در همه بخش های جامعه باید ارتقا پیدا کند.

• پیشگیری و مبارزه با تروریسم: برای پیشگیری و مبارزه با تروریسم ضروری است اقداماتی از جمله اقدامات زیر صورت بگیرد: جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به ابزارهایی که برای رسیدن به اهداف خود در انجام حملات استفاده می‌کنند، خودداری از سازماندهی، تحریک، کمک، همکاری، تأمین مالی و یا تشویق فعالیت‌های تروریستی و اتخاذ اقدامات عملی مناسب برای تضمین اینکه قلمرو هیچ کشوری برای ایجاد و یا آموزش گروه‌های تروریستی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. همچنین، شایان ذکر است که در مبارزه علیه تروریسم باید همکاری‌های همه‌جانبه مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل صورت پذیرد. علاوه بر این، همکاری در راستای تبادل اطلاعات صحیح و بموقع در رابطه با جلوگیری و مبارزه با تروریسم باید افزایش یابد؛ زیرا با تقویت همکاری در میان دولت‌ها، این دولت‌ها در سایه مبارزه با تروریسم متعاقباً می‌توانند با سایر جرائم مرتبط با تروریسم؛ از جمله قاچاق مواد در همه جنبه‌هایش، تجارت غیرقانونی اسلحه؛ به‌ویژه سلاح‌های کوچک و سبک، پولشویی و قاچاق هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک و ... نیز مبارزه نمایند. از این رو، لازم است پیش از اعطای پناهندگی کلیه اقدامات مناسب صورت بگیرد و اطمینان حاصل شود که پناهجو درگیر فعالیت‌های تروریستی نیست.

• ظرفیت‌سازی دولت‌های عضو برای جلوگیری و مبارزه با تروریسم و تقویت نقش نظام ملل متحد در این رابطه: ظرفیت‌سازی در همه دولت‌ها، عنصر اساسی کوشش جهانی برای مبارزه با تروریسم است که در این راستا باید دولت‌های عضو تشویق شوند که همکاری داوطلبانه با سازمان ملل متحد را برای مبارزه با تروریسم مد نظر قرار دهند.

• تضمین احترام به حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون به‌عنوان پایه‌های اساسی مبارزه با تروریسم: از اجزای ضروری این استراتژی، تأکید بر ارتقا و حفظ حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون است. همچنین، این مسأله که اقدامات ضد تروریستی مؤثر و کارآمد و حمایت از حقوق بشر، اهداف منازعه‌آمیزی نیستند نیز باید به رسمیت شناخته

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم... / 111

شود. بعلاوه، دولت‌ها باید این اطمینان را بدهند که هر اقدامی که برای مبارزه با تروریسم انجام می‌دهند، بر اساس حقوق بین‌الملل؛ به‌ویژه حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی استوار است. از این رو، ضرورت دارد که نقش مهم و غیرقابل انکار نظام سازمان ملل متحد در تقویت حقوق بین‌الملل با ارتقای حاکمیت قانون، احترام به حقوق بشر و سیستم عدالت کیفری مؤثر که پایه‌های اساسی مبارزه مشترک دولت‌ها علیه تروریسم را تشکیل می‌دهد، مورد تأکید قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

هدف از تدوین این مقاله، خلق فضای بررسی احتمالی آینده‌های ممکن از بحران تروریسم بود. سناریوهای روندهای مقابله با تروریسم به ما کمک می‌کند تا عوامل مختلفی را در چارچوب چالش‌ها یا فرصت‌های بالقوه بشناسیم. این سناریوها، گزینه‌های بدیل آینده را در ذهن ما مجسم می‌کنند و به ما این امکان را می‌دهند تا درباره این گزینه‌ها بیندیشیم. به نظر می‌رسد که محتمل‌ترین و مطلوب‌ترین سناریو از آینده روندهای مقابله با تروریسم گویای آن است که جامعه بین‌المللی در سه دهه آینده به دنبال کنترل بیشتر بر بحران تروریسم است. دلایل تروریسم کاملاً مهارشدنی و علت‌های آن کاملاً محتوم به نظر می‌رسد. در شرایطی که هیچ دولت فراگیری وجود ندارد، تنها ابزار، تقویت همبستگی و انسجام جامعه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم است. پس جامعه بین‌المللی به منظور مقابله با تروریسم و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، آستانه بالایی از همگرایی و توافق را شکل می‌دهند. نمودار صفحه بعد، سناریوی منتظره و مطلوب را از روند مقابله با تروریسم در دهه‌های آتی به نمایش گذاشته است.



هم‌اکنون لازم است که جامعه بین‌المللی تمام انرژی خود را برای مبارزه عملیاتی منسجم با تروریسم تحت رهبری سازمان ملل و بازسازی پس از آن به‌کار گیرد؛ ولی شیوه برخورد با این مسأله برای آینده بشریت بسیار سرنوشت‌ساز است. این مبارزه اگر با تأمل، دوراندیشی، ژرفایینی و سازماندهی مناسب همراه باشد، موجب وحدت در جامعه بین‌المللی شده و بدینسان مواجهه با مشکلات قرن بیست و یکم؛ یعنی نگرانی فزاینده در مورد سرنوشت عدالت و همبستگی جهانی و حل این مشکلات آسان می‌شود و در غیر این صورت، اگر این مبارزه و شیوه‌های آن بدون مطالعه و جامع‌نگری باشد، مستعد تولید خشونت، سرکوب و بروز خطرات ناشی از آنهاست. در نتیجه، هیچ‌کس توان غلبه بر این

آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی؛ تحلیل روندهای مقابله با تروریسم.../ ۱۱۳

مشکلات را نخواهد داشت؛ به ویژه اگر دولت‌های قوی تنها به دنبال منافع خاص خود باشند. دولت‌ها با وجود فقدان اجماع بر روی تعریف مشخص و شسته و رفته‌ای از تروریسم، باید از کوشش‌ها برای گنجاندن جرایم تروریستی به عنوان جرمی مستقل در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی صرف‌نظر کنند و اهتمام خود را برای سوق دادن جامعه بین‌المللی برای درخواست از دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم تروریستی رهنمون سازند. در نتیجه، جامعه بین‌المللی باید در نظر داشته باشند که راهکار و استراتژی مبارزه با تروریسم طی سه دهه آتی در منطقه خاورمیانه، بر چهار ستون از بین بردن شرایط مستعد گسترش تروریسم، پیشگیری و مبارزه با تروریسم، ظرفیت‌سازی دولت‌های عضو و تضمین احترام به حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون استوار خواهد بود.

منابع

- آقایی خواجه پاشا، داود. (۱۳۹۲). تحلیلی بر راهکارهای سیاسی - حقوقی مقابله با تروریسم بین‌الملل، فصلنامه سیاست، ش ۴۳، صص ۲۳۷-۲۵۶.
- بل، وندل. (۱۳۹۲). *مبانی آینده‌پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- پدرام، عبدالرحیم و زالی، سلمان. (۱۳۹۴). *فرایند سناریونویسی در موضوعات راهبردی: موردکاوی سناریوهای آینده بحران سوریه*، تهران: مؤسسه افق آینده پژوهی راهبردی.
- عراقچی، عباس؛ دهشیری، محمدرضا و جوزانی کهن، شاهین. (۱۳۹۵). *تروریسم و فضای مجازی در خاورمیانه*، تهران: شانی.
- قوام، سیدعبدالعلی. (۱۳۸۳). تحلیل سیاست بین‌الملل در چارچوب رویکرد جامعه بین‌المللی، *پژوهش حقوق عمومی*، ش ۱۲، صص ۵-۱۴.
- قوام، سیدعبدالعلی و فاطمی‌نژاد، سیداحمد. (۱۳۸۷). *از منازعه تا همبستگی: بررسی روابط بین‌المللی خاورمیانه از منظر مکتب انگلیسی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
- Abrahms, Max. (2012). The Political Effectiveness of Terrorism Revisited, *Comparative Political Studies*, Vol. 45, No. 3, pp.366-93.
- Alexander, Yonah.. (2008). Contemporary Terrorism: From National to Regional and Global Threats, *Defence Against Terrorism Review* ,Vol. 1, No. 2, pp.41-46.
- Bellamy, A. J. (2007). The English School in *International Relations Theory for the Twenty-First Century: An introduction*, (eds.) Martin Griffiths, London and New York: Routledge.
- Bianchi, Andrea. (2006). Assessing the Effectiveness of the UN Security Council's Anti-terrorism Measures: The Quest for Legitimacy and Cohesion, *The European Journal of International Law*, Vol. 17, no.5, pp. 881-919.
- Bloomberg, Michael R. and Scoppetta, Mayor Nicholas.(2007). *Terrorism and Disaster Preparedness Strategy*, Fire Department City of New York, pp. 1-45.

- Bull, H. (1977). *The Anarchical Society*, Basingstoke: Macmillan.
- Buzan, B. (2004). *From International to World Society? English School Theory and the Social Structure of Globalization*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Buzan, Barry .(2012). The primary institutions of international society, UK : Cambridge University Press, pp. 161-204.
- Council on Foreign Relations.(2013).The Global Regime for Terrorism, Council on Foreign Relations, PP. 1-11.
- Couto, Richard A.(2010). The Politics of Terrorism: Power, Legitimacy, and Violence, *Integral Review*, Vol.6, No,1, pp. 63-81.
- Danieli, Yael. (2014). The Trauma of Terrorism: Sharing Knowledge and Shared Care, *An International Handbook*, Routledge..
- Devlen, Balkan and James, Patrick. (2005). The English School, *International Relations and Progress*, *International Studies Review*, pp. ۱۹۱, ۱۹۲.
- Dunne, T. (1998). *Inventing International Society*, London: Palgrave.
- Eland, Ivan. (2008). Does US Intervention Overseas Breed Terrorism, *The Historical Record* Cato, Foreign Policy Briefing.
- Gage, Andrew C.and Cordesman, Anthony H. (2011). Patterns in Terrorism in North Africa, the Middle East, Central Asia and South Asia: 2007-2010, *Center for Strategic and International Studies*, pp. 1-49.
- Helmke , Gretchen and Levitsky, Steven.(2003). Informal Institution and Co,parative Politics: A Research Agenda, *The Helen Kellogg Institute for International Studies*, pp. 1-33.
- Inbar, Efraim.(2016). The Middle East Will Remain a Source of Terrorism, *BESA C enter Perspectives Paper No. 361*.
- James Cockayne and Camino Kavanagh. (2011). Flying Blind? Political Mission Responses to Transnational Threats, in *Review of Political Missions 2011*, ed. Alischa Kugel, New York: Center on International Cooperation.
- Krueger, A.B. and J. Maleckova. (2003). Education, Poverty and Terrorism: Is Therea Casual Connection?, *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 17, No. 4, pp. 119-144.
- Kuipers, Arie C.(2009). The Root Causes of Terrorism in the Middle East, *POL 135*, PP.1-12.
- Laitin, D. and J. Shapiro. (2006). The Political, Economic and Organizational Sources of Terrorism, in Keefer and Loayza, eds. *Terrorism and Economic Development*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Linklater, A .(2005). The English School in *Theories of International Relations: Third Edition*, Scott Burchill and others, Basingstoke: Palgrave Macmillan.

- Lutz, James M. and Lutz, Brenda J. (2013). Global Terrorism, 3rd ed. London: Routledge
- Mariniello, Triestino. (2014). the International Criminal Court in Search of Its Purpose and Identity, Routledge.
- Martin , Lisa and Simmons, Beth.(2012). International Organizations and Institutions,scholar harvard education, pp. 326-351.
- Mitra, Siddharta. (2008). Poverty and terrorism, Economics of Peace and Security Journal, Vol. 3, No. 2, pp. 57-61.
- Newman, E. (2006). Exploring the "root causes" of terrorism, Studies in Conflict and Terrorism, Vol. 29, pp. 749-772.
- Quan Li and Drew Schaub. (2006). Economic Globalization and Transnational Terrorism: A Pooled Time-Series Analysis, Journal of Conflict Resolution, Vol. 48, No. 2, pp. 230-258.
- Quintana, María Martín. (2012). Protection of human rights defenders:Best practices and lessons learnt, Brussels:Protection International.
- Sandler, T. and Enders, W. (2004). An Economic Perspective on Transnational Terrorism, European Journal of Political Economy, Vol. 20, No. 2, pp. 301-316.
- UNESCO. (2013). Intercultural Competences, Intersectoral Platform for a Culture of Peace and Non-Violence, Bureau for Strategic Planning, pp. 1-46.
- Vermeulen, Gert and Bondt, Wendy De. (2014). Justice, Home Affairs and Security. European and international institutional and policy development, Ma klu..